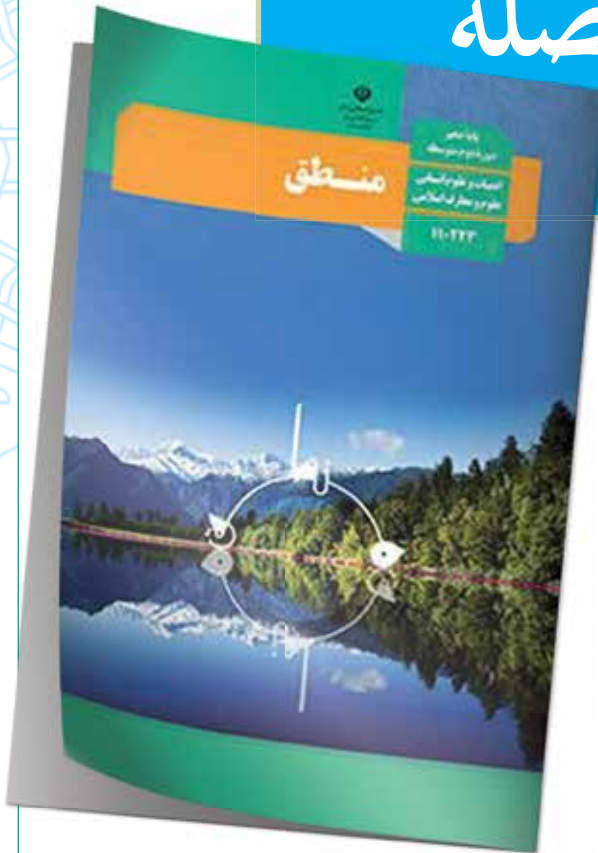


تشخیص

قضایای منفصله

و نحوه ساخت آنها



مسلم غلامحسینی

سرگروه فلسفه و منطق استان مرکزی

شیوه‌ای که برای بازشناسی قضایای منفصله از یکدیگر در اینجا ارائه می‌گردد روشی است که با به‌کارگیری و استفاده از آن احتمال خلط قضایای منفصله به صفر می‌رسد و اگر هم اشتباهی در این روش رخ دهد و یا اختلاف نظری پیش آید، یا به این دلیل است که شخص اطلاعات لازم، علاوه بر اطلاعات منطقی ضروری را ندارد و یا اینکه معنایی که از الفاظ برداشت می‌نمایند متفاوت است. باید یادآور شد که در این شیوه سعی شده است دانش آموز به راحتی بتواند این شیوه را به کار برده و از آن، جهت تشخیص قضایا بهره ببرد؛ لذا در بعضی از مراحل این روش به جای اصطلاحات منطقی از اصطلاحات ساده و عامیانه استفاده شده است.

انواع قضایای منفصله

۱. حقیقیه: لا یجتمعان و لا یرتفعان (جمع نمی‌شوند و رفع نمی‌شوند)؛
۲. مانعةالجمع: لا یجتمعان و یرتفعان (جمع نمی‌شوند و رفع می‌شوند)؛
۳. مانعةالرفع: یجتمعان و لا یرتفعان (جمع می‌شوند و رفع نمی‌شوند).

قضیه منفصله حذف کرده و فعل مقدم را اگر مثبت است، منفی نماید؛ و اگر منفی است مثبت نماید و فعل تالی را نیز اگر مثبت است، منفی نماید و اگر منفی است مثبت نماید؛ سپس به وسیله حرف «و» به هم عطف نماید و اسم این جمله را «رفع» بگذارد.

- در مرحله سوم از او می‌خواهیم که درستی یا نادرستی دو جمله به دست آمده را بررسی نموده و نتیجه بررسی را با اطلاعاتی که در مرحله اول به او ارائه شد، تطبیق داده و نوع قضیه را ذکر نماید.

به‌طور مثال قضیه «یا بهروز در خواب است یا بهروز خواب نمی‌بیند.» را به دو جمله تبدیل کند:

جمله شماره ۱: بهروز در خواب است و بهروز خواب نمی‌بیند. «جمع»

جمله شماره ۲: بهروز در خواب نیست و بهروز خواب می‌بیند. «رفع»

- در مرحله اول از دانش آموز می‌خواهیم منفصله حقیقیه را با علامت اختصاری (جمع غلط و رفع غلط)، مانعةالجمع (جمع غلط و رفع درست) را و مانعةالرفع (جمع درست و رفع غلط) را بشناسد.

- در مرحله دوم از او می‌خواهیم که قضیه منفصله را به دو جمله تبدیل کند. جمله اول به این صورت تحریر شود که حرف «یا» را از قضیه منفصله حذف کرده و عین مقدم و تالی را با حرف «و» به هم عطف نماید و اسم این جمله را «جمع» بگذارد و جمله دوم به این صورت تحریر شود که «یا» را از

نحوه ساخت انواع قضایای منفصله

۱. **حقیقیه:** از شیء با نقیضش؛ مثل یا عدد زوج است یا عدد غیر زوج است. انفصال در منفصله حقیقیه، متناظر با «تناقض» است؛ توضیح اینکه همان طور که دو قضیه‌ای که رابطه تناقض دارند هر دو صادق یا هر دو کاذب نیستند؛ در قضیه منفصله حقیقیه نیز هر دو نسبت صادق نیست (جمع غلط) و هر دو نسبت کاذب نیست (رفع غلط).

۲. **مانعه الجمع:** دو تصور که نسبتشان اعم و اخص است «غیر» را بر سر تصور اعم درآوریم مثل: یا این شخص ایرانی است یا این شخص غیر آسیایی است. انفصال در مانعه الجمع، متناظر با «تضاد» است؛ توضیح اینکه دو قضیه‌ای که رابطه تضاد دارند هر دو نمی‌توانند صادق باشند، اما هر دو می‌توانند کاذب باشند؛ در مانعه الجمع نیز هر دو نسبت نمی‌توانند صادق باشند (جمع غلط) اما هر دو نسبت می‌توانند کاذب باشند (رفع درست).

۳. **مانعه الرفع:** دو تصور که نسبتشان اعم و اخص است غیر را بر سر تصور اخص درآوریم مثل آسیایی و غیر ایرانی؛ یا این شخص آسیایی است یا این شخص غیر ایرانی است. انفصال در مانعه الرفع متناظر با «تداخل تحت تضاد» است؛ توضیح اینکه دو قضیه‌ای که رابطه تداخل تحت تضاد دارند هر دو می‌توانند صادق باشند، اما هر دو نمی‌توانند کاذب باشند؛ در مانعه الرفع نیز هر دو نسبت نمی‌توانند کاذب باشند (رفع غلط) اما هر دو نسبت می‌توانند صادق باشند (جمع درست).

نکته

مانعه الجمع را نقض کنیم، مانعه الرفع به دست می‌آید. مثل: یا او آسیایی است یا او آفریقایی است. (مانعه الجمع) یا او غیر آسیایی است یا او غیر آفریقایی است. (مانعه الرفع) مانعه الرفع را نقض کنیم، مانعه الجمع به دست می‌آید. مثل: یا هواپیما در آسمان است یا هواپیما سقوط نمی‌کند. (مانعه الرفع) یا هواپیما در آسمان نیست یا هواپیما سقوط می‌کند. (مانعه الجمع)

بدون نیاز به اطلاعات منطقی پی می‌برد که جمله شماره ۱ درست و جمله شماره ۲ غلط است؛ لذا می‌گوید قضیه منفصله‌ای که جمعش درست و رفعش غلط باشد مانعه الرفع است.

مثال دیگر: یا قایق در آب است یا غرق نمی‌شود.

جمله شماره ۱: قایق در آب است و غرق نمی‌شود. «جمع»
جمله شماره ۲: قایق در آب نیست و غرق می‌شود. «رفع»
جمله شماره ۱ درست و جمله شماره ۲ غلط است؛ لذا قضیه منفصله فوق، مانعه الرفع است.

مثال دیگر: یا او اسرار مردم را می‌داند یا اسرار مردم را فاش نمی‌کند.

جمله شماره ۱: او اسرار مردم را می‌داند و اسرار مردم را فاش نمی‌کند. «جمع»

جمله شماره ۲: او اسرار مردم را نمی‌داند و اسرار مردم را فاش می‌کند. «رفع»

جمله شماره ۱ درست و جمله شماره ۲ غلط است؛ لذا جمع درست و رفع غلط، پس پی می‌برد قضیه فوق مانعه الرفع است. **تذکر اول:** گاهی اوقات علی‌رغم استفاده از این شیوه، به خاطر برداشت معانی مختلف از الفاظ، اختلاف نظر پیش می‌آید. اختلاف نظر ذکر شده را با مثال ذیل شرح می‌دهیم. مثال: یا او معتقد به خداست یا خدا را ستایش نمی‌کند.

جمله شماره ۱: او معتقد به خداست و خدا را ستایش نمی‌کند. «جمع»

جمله شماره ۲: او معتقد به خدا نیست و خدا را ستایش می‌کند. «رفع»

روشن است که جمله دوم غلط است، لذا رفع غلط می‌باشد. اما جمله اول را عده‌ای به خاطر برداشت معنایی که از لفظ معتقد و ستایش دارند آن را غلط می‌دانند و بر این مبنا قضیه منفصله فوق را حقیقیه به شمار می‌آورند، اما عده‌ای به خاطر برداشت معنایی دیگر جمله اول را درست می‌دانند؛ لذا قضیه منفصله فوق را بر این اساس مانعه الرفع به شمار می‌آورند.

تذکر دوم: حرف «یا» باید در اول قضیه منفصله نوشته شود، زیرا اگر «یا» در اول قضیه نباشد آن قضیه دیگر شرطیه نیست، بلکه حملیه مردده‌المحمول است. مثل قضیه ذیل: عدد یا زوج است یا فرد. عدد موضوع است و اطراف تردید، زوج و فرد با هم محمول هستند که محمول بین زوج و فرد مردد است.



برخی از تصوراتی که با هم نسبت تباین دارند می‌توان با آنها مانعه الجمع ساخت؛ مثل: درخت و سنگ، و برخی از تصوراتی که با هم نسبت تباین دارند می‌توان با آنها حقیقیه ساخت؛ مثل: زوج و فرد.

